تقریب مذاهب؛ از مهار اختلاف تا مسئولیت مشترک جهان اسلام!

بازخوانی دیدگاه آیت‌ا‌ هاشمی رفسنجانی درباره وحدت اسلامی، گفت‌وگوی علمایی و نسبت اختلافات مذهبی با بحران‌های منطقه‌ای

در بازخوانی دیدگاه‌های آیت‌ا‌ اکبر هاشمی رفسنجانی درباره تقریب مذاهب اسلامی، نکته محوری این است که او وحدت را صرفاً توصیه‌ای اخلاقی برای کاهش تنش میان شیعه و اهل سنت نمی‌دانست؛ بلکه آن را ضرورتی برای مدیریت اختلافات مذهبی، جلوگیری از گسترش افراط‌گرایی و حفظ ثبات سیاسی جهان اسلام تلقی می‌کرد. در مصاحبه‌ای درباره روابط ایران و عربستان و بحران‌های خاورمیانه، این رویکرد در پیوند میان گفت‌وگوی اعتقادی، دیپلماسی منطقه‌ای و مسئولیت علمای اسلامی به‌روشنی دیده می‌شود.

اختلاف مذهبی؛ مسئله‌ای برای گفت‌وگو، نه منازعه

یکی از مهم‌ترین بخش‌های این مصاحبه، تفکیک میان اختلافات تاریخی و اعتقادی از خصومت‌های معاصر است. هاشمی رفسنجانی با نقل دیدگاه آیت‌ا‌ العظمی بروجردی، اختلافات شیعه و اهل سنت را به دو محور خلافت و مرجعیت بازمی‌گرداند. در این صورت‌بندی، اختلاف درباره خلافت به گذشته تاریخی تعلق دارد؛ اما مسئله مرجعیت و مبانی استناد دینی، موضوعی است که می‌توان درباره آن بحث کرد و از طریق استدلال به تفاهم رسید.

اهمیت این نگاه در آن است که وجود اختلاف اعتقادی را به‌خودی‌خود مانع همزیستی و همکاری نمی‌داند. اختلاف، تا زمانی که در قلمرو بحث علمی و استدلال باقی بماند، لزوماً به خصومت اجتماعی و سیاسی منتهی نمی‌شود. مسئله هنگامی شکل بحرانی پیدا می‌کند که اختلاف مذهبی به ابزاری برای نفی طرف مقابل، تحریک احساسات عمومی یا توجیه خشونت تبدیل شود.

از این منظر، تقریب به معنای حذف تفاوت‌های اعتقادی یا واداشتن مذاهب به پذیرش یک قرائت واحد نیست؛ بلکه به معنای ایجاد سازوکاری برای شناخت متقابل، گفت‌وگوی مستدل و جلوگیری از تبدیل اختلاف به نزاع است. تأکید هاشمی رفسنجانی بر اینکه در صورت باقی ماندن اختلاف نیز می‌توان بدون درگیری

بر اساس عقیده خود عمل کرد، بیانگر همین تمایز میان تفاهم و یکسان‌سازی مذهبی است.

میراث دارالتقریب و ضرورت احیای گفت‌وگوی علمی

هاشمی رفسنجانی در این مصاحبه، با یادآوری دیدگاه آیت‌ا‌ بروجردی و اشاره به فعالیت‌های تقریبی او و شیخ محمود شلتوت، از تجربه تاریخی تقریب میان علمای شیعه و اهل سنت یاد می‌کند. این ارجاع، تقریب را از سطح واکنش به بحران‌های روزمره فراتر می‌برد و آن را در امتداد یک سنت علمی و دینی قرار می‌دهد.

در این چارچوب، گفت‌وگوی علمایی صرفاً یکی از ابزارهای جانبی وحدت نیست؛ بلکه می‌تواند زیرساخت فکری و معرفتی آن باشد. اختلافاتی که در طول تاریخ در آثار کلامی، فقهی و حدیثی شکل گرفته‌اند، با موضع‌گیری‌های سیاسی یا شعارهای عمومی حل نمی‌شوند. این مسائل به بررسی تخصصی، شناخت دقیق مبانی مذاهب و امکان گفت‌وگوی روشمند میان عالمان نیاز دارند.

از همین رو، پیشنهاد تشکیل کمیسیون مشترک علمایی ایران و عربستان در این مصاحبه اهمیت ویژه‌ای دارد. بر اساس توضیحات هاشمی رفسنجانی، قرار بود چنین کمیسیونی اختلافات شیعه و سنی را بررسی کند و زمینه تفاهم مذهبی را فراهم آورد. او همچنین از ضرورت ایجاد مرجعی برای بررسی اختلافات سخن می‌گوید؛ نهادی که بتواند دیدگاه‌های مختلف را ارزیابی کند و در مواردی که توافق حاصل نمی‌شود، امکان همزیستی بدون منازعه را تقویت کند.

این پیشنهاد، در سطح نظری، به یکی از مسائل بنیادین تقریب پاسخ می‌دهد: چگونه می‌توان اختلافات واقعی را به رسمیت شناخت، بی‌آنکه آنها به بحران دائمی در روابط مسلمانان تبدیل شوند؟ پاسخ مورد تأکید او، عبور از منازعه غیرعلمی و حرکت به سوی گفت‌وگوی سازمان‌یافته است.

از تقریب علمی تا مسئولیت سیاسی دولت‌های اسلامی

بخش دیگری از دیدگاه هاشمی رفسنجانی به پیوند میان روابط سیاسی کشورهای اسلامی و وضعیت پیروان مذاهب در جوامع مختلف مربوط است. او معتقد است ایران و عربستان، به دلیل جایگاه و نفوذ منطقه‌ای خود، می‌توانند در کاهش تنش‌های مذهبی و سیاسی نقش مؤثری داشته باشند. از این رو، اختلاف میان این دو کشور را نباید صرفاً به روابط دوجانبه محدود کرد؛ زیرا پیامدهای آن می‌تواند در جوامعی که

شیعیان یا اهل سنت در اقلیت قرار دارند، نیز آشکار شود.

نکته قابل توجه در این بخش، توجه به پیامدهای فرامرزی رفتارهای مذهبی و سیاسی است. هاشمی رفسنجانی با نقل سخنی از آیت‌ا‌ سیستانی، هشدار می‌دهد که برخی مواضع و رفتارهای اتخاذشده از موضع قدرت ممکن است شرایط را برای شیعیان ساکن کشورهای دیگر دشوارتر کند. او از همین زاویه، مسئولیت ایران را فراتر از موضع‌گیری درباره اختلافات مذهبی می‌بیند و بر ضرورت توجه به امنیت، کرامت و وضعیت اجتماعی مسلمانان در کشورهای مختلف تأکید می‌کند.

این استدلال را می‌توان یکی از ابعاد مهم رویکرد تقریبی او دانست: سنجش رفتارهای سیاسی و مذهبی بر اساس پیامدهای واقعی آنها برای عموم مسلمانان، نه صرفاً بر مبنای اهداف اعلام‌شده یا مواضع جناحی. در چنین نگاهی، تقویت جایگاه یک مذهب نباید به تضعیف امنیت پیروان همان مذهب در دیگر جوامع بینجامد و دفاع از یک باور نیز نباید به تشدید خصومت میان مسلمانان منتهی شود.

بر همین اساس، تقریب از نظر او مستلزم مسئولیت‌پذیری متقابل است. دولت‌ها باید زمینه گفت‌وگو و همکاری را فراهم کنند و عالمان نیز در برابر پیامدهای اجتماعی و سیاسی گفتارهای مذهبی احساس مسئولیت داشته باشند.

افراط‌گرایی؛ پیامد تبدیل اختلاف به نفی دیگری

هاشمی رفسنجانی در بخش دیگری از مصاحبه، افراط‌گرایی و تروریسم را از مهم‌ترین تهدیدهای جهان اسلام معرفی می‌کند. او با اشاره به جریان‌هایی مانند داعش و طالبان، به قرائت‌هایی از اسلام انتقاد می‌کند که پیروان مذاهب دیگر را از دایره اسلام خارج می‌دانند و این طرد اعتقادی را به خشونت پیوند می‌زنند.

در این تحلیل، مسئله فقط وجود اختلاف میان مذاهب نیست؛ بلکه نحوه صورت‌بندی و بهره‌برداری از آن اهمیت دارد. اختلاف مذهبی هنگامی به عاملی برای بی‌ثباتی تبدیل می‌شود که به ابزار بسیج نیروهای خشونت‌گرا، مشروعیت‌بخشی به کشتار یا ایجاد مرزهای هویتی غیرقابل عبور تبدیل شود.

او در عین حال، رشد تروریسم را صرفاً با عوامل اعتقادی توضیح نمی‌دهد و به نارضایتی‌های اجتماعی، محرومیت نسل جوان و احساس انسداد سیاسی نیز اشاره می‌کند. این بخش از سخنان او نشان می‌دهد که

مقابله با افراط‌گرایی، از نظر وی، به مجموعه‌ای از اقدامات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیاز دارد. با این‌حال، در حوزه تقریب، مسئولیت مستقیم عالمان و نخبگان دینی آن است که اجازه ندهند اختلافات مذهبی به مبنایی برای تکفیر و خشونت تبدیل شود.

از این منظر، وحدت اسلامی تنها در برابر یک تهدید بیرونی معنا پیدا نمی‌کند؛ بلکه به ظرفیت درونی جوامع مسلمان برای مهار تعصب، جلوگیری از طرد مذهبی و بازسازی اعتماد میان پیروان مذاهب نیز وابسته است. هر اندازه امکان گفت‌وگو و همکاری کاهش یابد، میدان بیشتری برای جریان‌هایی فراهم می‌شود که هویت مذهبی را به ابزار رویارویی و حذف دیگری تبدیل می‌کنند.

چرا تجزیه کشورهای اسلامی راه‌حل اختلافات نیست؟

پیوند میان تقریب و امنیت منطقه‌ای در مخالفت هاشمی رفسنجانی با تجزیه کشورهای اسلامی نیز آشکار است. او معتقد است تقسیم کشورهای منطقه به واحدهای کوچک‌تر بر اساس شکاف‌های قومی و مذهبی، نه‌تنها اختلافات را حل نمی‌کند، بلکه می‌تواند زمینه درگیری‌های تازه و کینه‌های پایدار را فراهم آورد.

این موضع، پیامد سیاسی نگاه او به تقریب است. اگر اختلافات مذهبی از طریق گفت‌وگو و سازوکارهای مشترک قابل مدیریت باشند، تبدیل آنها به مرزهای جغرافیایی و سیاسی ضرورت ندارد. در مقابل، هنگامی که هویت مذهبی مبنای جداسازی سرزمینی قرار گیرد، اختلافی که می‌توانست در چارچوب یک جامعه سیاسی مدیریت شود، ممکن است به منازعه‌ای بر سر قلمرو، جمعیت و حاکمیت تبدیل شود.

از این رو، پیشنهاد همکاری ایران و عربستان و ایجاد کمیسیون‌های مشترک برای بررسی مسائل کشورهای منطقه، در منطق این مصاحبه، صرفاً طرحی برای بهبود روابط دوجانبه نیست؛ بلکه تلاشی برای جایگزین کردن همکاری منطقه‌ای با رقابت فرقه‌ای و جلوگیری از گسترش بحران‌هایی است که به نام اختلافات مذهبی تشدید می‌شوند.

تقریب به‌مثابه یک سازوکار پایدار

یکی از نکات قابل تأمل در این مصاحبه، تأکید هاشمی رفسنجانی بر ضرورت نهادینه شدن تفاهم میان مسلمانان است. پیشنهاد تشکیل کمیسیون علمایی و کمیسیون‌های مشترک برای مسائل منطقه‌ای نشان

می‌دهد که او به راه‌حل‌هایی فراتر از دیدارهای تشریفاتی و اظهارات مقطعی می‌اندیشید. در این رویکرد، تقریب هنگامی از پایداری بیشتری برخوردار می‌شود که در قالب نهادها، برنامه‌ها و رویه‌های مستمر دنبال شود.

این نکته برای نهادهای فعال در حوزه تقریب نیز اهمیت دارد. گفت‌وگوهای علمی، تدوین پژوهش‌های مشترک، بررسی اختلافات تاریخی و کلامی، تربیت نیروهای آشنا با مبانی مذاهب و ایجاد کانال‌های ارتباطی میان عالمان، می‌توانند زمینه‌ای فراهم کنند که در زمان بروز بحران‌های سیاسی، ارتباط میان جوامع مذهبی به‌سرعت از میان نرود.

البته تحقق چنین الگویی به اراده سیاسی دولت‌ها، استقلال و اعتبار علمی نهادهای دینی و پذیرش متقابل طرف‌ها نیاز دارد. خود هاشمی رفسنجانی نیز در روایت تجربه ایران و عربستان تصریح می‌کند که اجرای طرح‌های مشترک، به تصمیم و همراهی طرف‌های ذی‌ربط وابسته است. بنابراین، فاصله میان توافق اولیه و اجرای نهادی را باید یکی از مسائل اساسی در ارزیابی تجربه‌های دیپلماسی تقریبی دانست.

جمع‌بندی؛ وحدت بدون انکار اختلاف

حاصل دیدگاه‌های مطرح‌شده در این مصاحبه را می‌توان در یک اصل خلاصه کرد: اختلاف مذهبی، به‌خودی‌خود، سرنوشت روابط مسلمانان را تعیین نمی‌کند؛ آنچه اهمیت دارد، شیوه مواجهه با این اختلاف و سازوکارهای مهار پیامدهای آن است.

هاشمی رفسنجانی از یک سو بر گفت‌وگوی علمی، استدلال و ایجاد سازوکار مشترک میان علمای شیعه و اهل سنت تأکید می‌کند و از سوی دیگر، مسئولیت دولت‌ها را در جلوگیری از تشدید منازعات مذهبی و حمایت از همزیستی مسلمانان برجسته می‌سازد. در این چارچوب، تقریب نه به معنای انکار تفاوت‌های اعتقادی است و نه به معنای تعلیق همه اختلافات تا زمان حصول توافق؛ بلکه تلاشی برای جلوگیری از تبدیل اختلاف به خصومت، تکفیر و خشونت است.

اهمیت این رویکرد در آن است که وحدت را از سطح توصیه‌های عمومی به حوزه طراحی سازوکارهای عملی منتقل می‌کند. تقریب پایدار، به گفت‌وگوی علمی، مسئولیت‌پذیری سیاسی، اعتماد متقابل و نهادهایی نیاز دارد که اختلافات را قابل بررسی و منازعات را قابل مهار سازند. در غیر این صورت، دعوت به

وحدت ممکن است در سطح شعار باقی بماند، در حالی که زمینه‌های فکری و سیاسی تفرقه همچنان بازتولید می‌شوند.

از این منظر، میراث تقریبی مورد اشاره در سخنان هاشمی رفسنجانی بیش از هر چیز بر ضرورت پیوند میان معرفت دینی و مسئولیت اجتماعی تأکید دارد: مسلمانان برای حفظ تفاوت‌های خود ناگزیر از دشمنی با یکدیگر نیستند و می‌توانند بدون یکسان‌سازی اعتقادی، درباره مسائل مشترک به تفاهم برسند و برای صیانت از منافع و امنیت جهان اسلام همکاری کنند.